



از زن کشاورز تا زن خانه‌دار

مداخله‌های توسعه‌ای تغییرات بسیاری در زندگی زنان روستایی پدید آورده است. پرسش این است که ابعاد این تغییرات چه تأثیری بر نقش و هویت زن روستایی داشته است. برای پاسخ به این پرسش، طرح پژوهشی مردم‌نگارانه‌ای آماده و در سه روستای گوهردان، رامه و کوه‌زار اجرا شد که هر سه ویژگی‌های اقلیمی متفاوتی هم داشتند. داده‌های این پژوهش با استفاده از مشاهده و مصاحبه فراهم شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با تغییر نقش‌ها و انتظارات از زنان روستایی، هویت آنان از زن کشاورز به زن خانه‌دار تغییر کرده است. زنان گوهردان و رامه با دسترسی به تحصیلات و اشتغال رسمی به دنبال تغییر وضعیت خود هستند. زنان در هر سه روستا ازدواج با مرد غیر کشاورز و ساکن شهر را راهی برای رهایی از موقعیت زن کشاورز تلقی می‌کنند و آینده خود را به مثابه زن خانه‌دار ترسیم می‌کنند. زنان جوان تر ساکن هر سه روستا معمولاً به آموختن روش‌های سنتی مایل نیستند. در روستای کوه‌زار نقش‌های سنتی زنان از قبیل یختن نان در خانه و بافتن فرش، منسوخ شده و آنان نیز چون زنان گوهردان و رامه در پی استفاده از فناوری‌های نوین در خانه هستند.

در این سه روستا، میزان نقش‌آفرینی زنان در سطح اجتماع محلی نیز کاهش یافته است. درک این بانوان از زندگی زنان شهری با خانه‌داری، کاهش فعالیت‌های تولیدی و ایفای وظایف خانگی همراه است که به تحول نقش و تغییر هویت آنها انجامیده است. وضعیت زنان شهری و روستایی قطعاً با هم متفاوت است. این تفاوت که بدیهی به نظر می‌رسد در شکل‌گیری هویت زن روستایی نقش‌آفرینی مهمی دارد. در گذشته، پوشش زنان روستایی با زنان شهری متفاوت بود و هر یک از این دو گروه روابط اجتماعی خاص خود را داشتند. فرایند نوسازی در ایجاد این تغییرات در فضای روستایی بسیار مؤثر بود. مداخله‌های توسعه‌ای با هدف نیل به نوسازی نهاد خانواده و یکسان‌سازی آن بشدت در این داستان تأثیر گذار بوده است.

دکتر سپه‌پلا علیرضائزاد، دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی



زنان، کشاورزان مهم خاور میانه

تا گذشته‌ای نزدیک زنان کشاورز در کشورهای در حال توسعه تقریباً موجودیتی نامشهود داشتند. آنان نه تنها از لحاظ دستیابی به نهاده‌ها و منابع و بر خور داری از راهنمایی و آموزش و ترویج برای پیشبرد مهارت‌های کشاورزی و در نتیجه ارتقای بهره‌وری نادیده گرفته می‌شدند بلکه درباره مشارکت‌شان در نیروی کار کشاورزی هیچ اشاره‌ای به نوع و مقدار و زمان صرف‌شده در کار هم نمی‌شد. در نتیجه سهم و ارزش کار و تولید کشاورزی زنان میسر نبود و به نقش آنان در بخش کشاورزی اهمیت داده نمی‌شد و عوامل مولد این بخش شناخته نمی‌شدند.

در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در جهان با اقدامات متعدد wcarrrd (کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی) توجه‌ها به سهم مولد زنان کشاورز و نقش مهم آنها در این عرصه معطوف شد.

امروزه هر چند زنان کشاورز مورد توجه قرار گرفته‌اند و نقش آنها به رسمیت شناخته شده و مطالعاتی نیز برای تعیین میزان اهمیت آنها به عمل آمده است ولی هنوز پژوهش‌های دیگری برای تعیین حدود و نوع فعالیت‌های زنان کشاورز ضرورت دارد تا بر مبنای آن مشخص شود برای افزایش سهم و خدمات زنان کشاورز چه برنامه‌هایی لازم است و این زنان به چه کمک‌هایی احتیاج دارند. چندی پیش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) آماری منتشر کرد که از جمله اطلاعات مربوط به زنان ۱۴ کشور خاور میانه را در زمینه نیروی کار کشاورزی نشان می‌داد. به موجب این آمار تفاوت‌های زیادی میان کشورها وجود داشت اما در کل سهم نیروی کار کشاورزی زنان در بیشتر کشورها در سطحی بالا و بر خور دار از اهمیت قرار دارد. از جمله این نیرو در کشور ترکیه تا ۵۵ درصد می‌رسد.

بر اساس آمارهای موجود، مدیران و مسؤولان باید بیش از گذشته نقش زنان در کشاورزی را جدی بگیرند و بدانند که برای افزایش بهره‌وری و بیشینه کردن تولید کشاورزی و تحقق توسعه اقتصادی در کشورهای خاور میانه به تامین کمک و مساعدت‌های لازم برای رشد زنان کشاورز و حل مسائل و مشکلات آنها از جمله مساله بیمه و... نیاز مندند.

فروغ محمدی - کارشناس ارشد مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

مادران مزرعه‌دار به روایت آمار

آمارهای سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که از میان ۲۳ درصد زنان ایرانی فعال در اقتصاد ۳۴ درصد در بخش کشاورزی فعالیت دارند

■ ۹۰ درصد فعالیت‌های مربوط به تولید سبزی و صیفی برعهده زنان است

■ ۸۰ درصد فعالیت‌های مربوط به تولید لبنیات برعهده زنان است

■ ۷۰ درصد فعالیت‌های مربوط به زراعت برنج برعهده زنان است

■ ۵۰ درصد فعالیت‌های مربوط به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی برعهده زنان است

■ ۳۰ درصد فعالیت‌های مربوط امور برداشت باغات برعهده زنان است

منبع: پژوهش اقتصاد کشاورزی

